

وَيُقَوْمٍ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ ۚ
 لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعَثُوا فِي الْأَرْضِ
 مُفْسِدِينَ ﴿٨٥﴾ بَقِيَّتُ اللَّهُ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۚ
 وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ ﴿٨٦﴾ قَالُوا يُشْعِبُ أَصْلَوْتِكَ
 تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا
 مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ ﴿٨٧﴾ قَالَ يَقَوْمِ
 أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ
 رِزْقًا حَسَنًا ۚ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا
 أَنهَكُمْ عَنْهُ ۚ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ ۚ
 وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ ۚ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ
 ﴿٨٨﴾ وَيَقَوْمٍ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ
 مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ ۚ
 وَمَا قَوْمٌ لَوْطٍ مِنْكُمْ بَبَعِيدٍ ﴿٨٩﴾ وَاسْتَغْفِرُوا
 رَبَّكُمْ ثُمَّ تَوَبُوا إِلَيْهِ ۚ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ ﴿٩٠﴾

و ای قوم من، پیمانۀ و ترازو را با انصاف و عدل پر کنید و از اشیای مردم [چیزی را] کم نکنید و در زمین فساد نکنید. ﴿۸۵﴾

«باقیمانده خدا برای شما بهتر است اگر مؤمن باشید، و من بر شما نگاهبان [مأمور بر اجبارتان به ایمان] نیستم.» ﴿۸۶﴾

گفتند: «ای شعیب، آیا نمازت به تو دستور می‌دهد که آنچه را پدران ما می‌پرستیدند رها کنیم، یا در اموال خود به میل خود تصرف نکنیم؟ تو که مرد بردبار و فهمیده‌ای هستی! [این سخن را در مقام استهزاء به شعیب گفتند].» ﴿۸۷﴾

گفت: «ای قوم من، ببینید، اگر از جانب پروردگارم دلیل روشنی داشته باشم، و او از سوی خود روزی نیکویی به من داده باشد [آیا باز هم از پرستش او دست بردارم؟] من نمی‌خواهم در آنچه شما را از آن باز می‌دارم با شما مخالفت کنم [و خود مرتکب آن شوم]. من قصدی جز اصلاح [جامعه] تا آنجا که بتوانم، ندارم، و توفیق من جز به [یاری] خدا نیست. بر او توکل کرده‌ام و به سوی او بازمی‌گردم.» ﴿۸۸﴾

و ای قوم من! مبدا دشمنی شما با من باعث شود که شما هم به سرنوشت قوم نوح، یا قوم هود، یا قوم صالح گرفتار شوید! و قوم لوط هم چندان از شما دور نیستند. ﴿۸۹﴾

و از پروردگار خود آمرزش بخواهید، سپس به درگاه او توبه کنید که پروردگار من مهربان و دوستدار [بندگان توبه کار] است.» ﴿۹۰﴾

دوره امامت امام زمان علیه السلام با غیبت کوتاهی شروع شد که ۶۹ سال به طول انجامید. پس از آن، غیبتی طولانی آغاز شد که تاکنون ادامه دارد.

در این درس با پاسخ سؤالات زیر آشنا می‌شویم:

علت غیبت امام زمان علیه السلام چیست؟

ایشان چگونه در دوران غیبت، پیروان خود را هدایت و یاری می‌کنند؟

حضرت مهدی عجله تعالی فرجه دوازدهمین امام ما، در سپیده دم جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه.ق، در «سامرا» متولد شد و تا سال ۲۶۰ ه.ق، در کنار پدر بزرگوارش زندگی می کرد. امام حسن عسکری علیه السلام در این مدت، ایشان را از گزند حاکمان عباسی که تصمیم به قتل وی داشتند، حفظ نمود و با آنکه در محاصره نیروها و جاسوسان حاکمان بود، ایشان را به بعضی از یاران نزدیک و مورد اعتماد خود نشان می داد و به عنوان امام بعد از خود معرفی می کرد.

پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ ه.ق، امامت امام مهدی علیه السلام آغاز شد. آن حضرت از ابتدای امامت خود که تاکنون ادامه دارد، دو غیبت داشته است؛ اول، غیبتی که تا سال ۳۲۹ ه.ق طول کشید و «غیبت صغری» نامیده می شود. امام در این دوره، با اینکه زندگی مخفی داشت، اما از طریق چهار نفر از یاران صمیمی و مورد اعتماد، پیوسته با پیروان خود در ارتباط بود و آنان را رهبری می کرد. این چهار شخصیت بزرگوار به «نواب اربعه» و «نواب خاص» معروف اند.^۱ شش روز مانده به درگذشت آخرین نایب، امام عصر علیه السلام برای ایشان نامه ای نوشت و فرمود به فرمان خداوند، پس از وی جانشینی نیست و مرحله دوم غیبت آغاز می شود. به دلیل طولانی بودن این دوره از غیبت، آن را «غیبت کبری» می نامند.

غیبت امام مهدی علیه السلام

خداوند نعمت هدایت را با وجود امامان تمام و کامل گردانیده و راه رسیدن به رستگاری را برای انسان ها هموار ساخته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، خود و امام علی علیه السلام را پدران امت معرفی فرموده است^۲ و روشن است که دلسوزی پدر برای فرزندان خود قابل توصیف نیست. اما فرزندان ناسپاس، قدر پدران مهربان خود را نشناختند و چنان در مسیر گمراهی پیش رفتند که یازده تن از رهبران آسمانی خود را شهید کردند.

درست است که حاکمان بنی امیه و بنی عباس، ظالمانه و غاصبانه حکومت را به دست گرفته بودند و عاملان اصلی به شهادت رساندن امامان بودند، اما بیشتر مردم تسلیم این حاکمان شده بودند و با آنان مبارزه نمی کردند و وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را انجام نمی دادند. اگر مردم آن دوره با این

۱- این عبارتی است که پس از نام بردن از حضرت مهدی علیه السلام گفته می شود و به این معناست که خداوند متعال ظهور آن حضرت را نزدیک فرماید.

۲- نایبان خاص امام عصر علیه السلام عبارت اند از: عثمان بن سعید (به مدت ۵ سال)، محمد بن عثمان (به مدت ۴ سال)، حسین بن روح نوبختی (۲۱ سال) و علی بن محمد سمری (۳ سال).

۳- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «أَنَا وَعَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ»: «من و علی پدران این امتیم». علل الشرایع، صدوق، ج ۱، ص ۱۲۷.

حاکمان ظالم، مبارزه می‌کردند، خلافت در اختیار امامان قرار می‌گرفت و آن بزرگواران، بیش از پیش مردم را به سوی توحید و عدل فرا می‌خواندند و جامعه بشری در مسیر صحیح کمال پیش می‌رفت. همان‌طور که در تاریخ نقل شده است، سخت‌گیری حاکمان بنی‌عباس نسبت به امام دهم و یازدهم تا حدی شدت یافته بود که آن بزرگواران را در محاصره کامل قرار داده بودند؛ زیرا آنان از اخباری که از پیامبر اکرم ﷺ و سایر امامان رسیده بود، مطلع بودند.

پیامبر اکرم ﷺ درباره دوازده جانشین خود با مردم سخن گفته بود و امام مهدی ﷺ را به عنوان آخرین امام و قیام‌کننده علیه ظلم و برپاکننده عدل در جهان معرفی کرده بود. امیرالمؤمنین علی ﷺ و سایر امامان نیز از آن حضرت و مأموریتی که از جانب خدا دارد، یاد کرده بودند. به همین دلیل، حاکمان بنی‌عباس درصدد بودند مهدی موعود ﷺ را به محض تولد، به قتل برسانند.

از این رو، خداوند آخرین ذخیره و حجت خود را از نظرها پنهان کرد تا امامت در شکلی جدید و از پس پرده غیبت ادامه یابد و تا فراهم آمدن شرایط برای تشکیل حکومت جهانی از نظرها پنهان باشد. این غیبت آن قدر ادامه می‌یابد که نه تنها مسلمانان، بلکه جامعه انسانی شایستگی درک ظهور و بهره‌مندی کامل از وجود آخرین حجت الهی را پیدا کند.

امام علی ﷺ می‌فرماید: «زمین از حجت خدا (امام) خالی نمی‌ماند. اما خداوند، به علت ستمگری انسان‌ها و زیاده‌روی‌شان در گناه، آنان را از وجود حجت در میانشان بی‌بهره می‌سازد»^۱.

تدبر در قرآن

خداوند در قرآن کریم، علت از دست دادن نعمت‌ها را این گونه بیان کرده است:

ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً اَنْعَمَهَا عَلٰى قَوْمٍ حَتّٰى يُغَيِّرُوْا مَا بِاَنْفُسِهِمْ وَ اَنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ.^۲

خداوند نعمتی را که به قومی ارزانی کرده است، تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنها خود وضع خود را تغییر دهند. همانا که خداوند شنوا و داناست.

با تفکر در این آیه، عبارت‌های زیر را کامل کنید:

- ۱- اگر مردم از نعمتی که خدا به آنها داده است، درست استفاده نکنند،
- ۲- زمینه‌ساز هلاکت، یا عزت و سربلندی یک جامعه

۱- الغیبة، محمدبن ابراهیم نعمانی، مترجم: فهری زنجانی، ص ۱۵۹.

۲- سوره انفال، آیه ۵۳.

چگونگی امامت حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت

برای درک درست رهبری امام در عصر غیبت، ابتدا باید توجه کنیم که امام را از آن جهت «غایب» نامیده‌اند که ایشان از نظرها «غایب» است، نه اینکه در جامعه حضور ندارد. به عبارت دیگر، ما انسان‌ها هستیم که امام را نمی‌بینیم، نه اینکه ایشان در بین ما نیست و از وضع ما بی‌خبر است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید:

«حجت خداوند در میان مردم حضور دارد، از معابر و خیابان‌ها عبور می‌کند؛ به نقاط مختلف می‌رود، سخن مردم را می‌شنود و بر جماعت مردم سلام می‌کند...؛ تا اینکه زمان ظهور و وعده الهی و ندای آسمانی فرا می‌رسد. هان! آن روز، روز شادی فرزندان علی و پیروان اوست»^۱.

به دلیل غایب بودن حضرت مهدی علیه السلام بهره‌مندی از ایشان در عصر غیبت کاهش می‌یابد. از این رو آن حضرت خود را به خورشید پشت ابر تشبیه کرده‌اند^۲. در این دوره، نه امکان حکومت و ولایت ظاهری آن امام هست و نه امکان تشکیل جلسات درس و تعلیم معارف و احکام دین توسط ایشان؛ برای همین، این بهره‌مندی، منحصر به «ولایت معنوی» می‌شود که نیازمند ظاهر بودن بین مردم نیست. ایشان به اذن خداوند از احوال انسان‌ها آگاه است، افراد مستعد و به‌ویژه شیعیان و محبان خویش را از کمک‌ها و امدادهای معنوی خویش برخوردار می‌سازد. امام عصر علیه السلام در نامه‌ای به شیخ مفید^۳، از علمای بزرگ اسلام، می‌فرماید:

«ما از اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ‌چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نیست».

هم اکنون نیز امام عصر علیه السلام سرپرست، حافظ و یاور مسلمانان است. هدایت باطنی افراد، حل بعضی از مشکلات علمی علما، خبر دادن از پاره‌ای رویدادها، دستگیری از درماندگان و دعا برای مؤمنان، نمونه‌هایی از یاری‌رسانی‌های آن حضرت است. چه بسیارند افرادی که از یاری آن امام برخوردار می‌شوند، بدون آنکه ایشان را بشناسند.

اصولاً، تمام امامان از ولایت معنوی بهره‌مندند و علاوه بر راهنمایی‌های ظاهری، می‌توانند به اذن خداوند، از طریق معنوی و غیبی نیز نیازهای مؤمنان را پاسخ دهند و آنان را به سوی مقصود هدایت کنند. از همین رو، در عصر امامان دیگر هم، انسان‌هایی که آمادگی لازم را کسب کرده بودند، مورد توجه معنوی ائمه اطهار علیهم السلام قرار می‌گرفتند و نور حکمت و معرفت بر قلب‌های آنان می‌تابید و هدایت می‌یافتند.

۱- الغیبة، نعمانی، ص ۱۴۴.

۲- بحارالانوار، مجلسی، ج ۵۳، ص ۱۸۱.

۳- شیخ مفید در سال ۳۸۱ ق، به مرجعیت شیعیان رسید و تا سال ۴۱۳ ق، به مدت ۳۲ سال مرجعیت شیعیان را برعهده داشت. شیخ مفید بالغ بر ۲۰۰ عنوان کتاب و رساله تألیف کرد و شاگردان بزرگی چون سیدمرتضی، سیدرضی و شیخ طوسی تربیت کرد و در تحکیم جایگاه تشیع در جهان اسلام بسیار مؤثر بود.

بنابراین، دورهٔ غیبت، به معنای عدم امامت امام عصر علیه السلام نیست؛ بلکه رهبری حقیقی مسلمانان هم اکنون نیز به عهدهٔ ایشان است؛ اما این رهبری را انسان‌های عادی حس نمی‌کنند؛ همان‌طور که برخی از انسان‌ها فواید خورشید پشت ابر را در نمی‌یابند و مشاهده نمی‌کنند. اگر شب، عالم را فراگیرد و خورشید هیچ‌گاه طلوع نکند، آن زمان است که نعمت وجود خورشید پشت ابر نیز بر همگان روشن خواهد شد.

البته آن حضرت دو مسئولیت «تعلیم و تبیین دین (مرجعیت علمی)» و «حکومت و ولایت ظاهری» خود را به عالمان دین واگذار کرده است که در دروس بعد به آن خواهیم پرداخت.

فیلم: طول عمر امام زمان علیه السلام

بیشتر بدانیم

نمونه‌ای از هدایت معنوی و امداد امام عصر علیه السلام در عصر غیبت

یکی از بزرگ‌ترین فقهای شیعه، علامهٔ حلّی متوفای «۷۲۶» ه.ق است که با تألیف کتاب‌های گران قدرش حق بزرگی بر شیعیان دارد.

علامه معمولاً در شب‌های جمعه به زیارت سید الشهداء علیهم السلام می‌رفت. در یکی از این شب‌ها شخصی در میانهٔ راه، همراه او شد و با او به گفت‌وگو مشغول شد. چون قدری با هم سخن گفتند، علامه متوجه شد که این شخص، فردی بسیار عالم و متبحر است؛ از این رو، مشکلاتی که برای او در علوم دینی حل نشده مانده بود، یک‌به‌یک از آن شخص سؤال می‌کرد و او پاسخ می‌داد. تا اینکه علامه به یکی از پاسخ‌های آن شخص ایراد گرفت و گفت: حدیثی در خصوص آنچه شما می‌گویید نداریم. آن مرد گفت: شیخ طوسی در کتاب تهذیب حدیثی در این باب ذکر کرده که در فلان صفحه و فلان سطر، آمده است.

علامه در حیرت شد که این شخص کیست؟ گفت‌وگو را با او ادامه داد. تا اینکه در بین یکی از سؤالاتش از او پرسید: آیا در این زمان که غیبت کبری است می‌توان امام زمان را دید؟ و در این هنگام چوب‌دستی که در دست علامه بود، از دستش افتاد. آن مرد خم شد و چوب‌دستی را از زمین برداشت و به دست علامه داد و فرمود: چگونه امام زمان را نمی‌توان دید و حال آنکه دست او در میان دست توست؟ با شنیدن این جمله علامه بر زمین افتاد و از هوش رفت و چون به هوش آمد کسی را ندید. پس از آنکه به خانه بازگشت به سراغ کتاب تهذیب رفت و آن حدیث را در همان ورق و صفحه و سطر که حضرت بیان کرده بودند، یافت. علامه به خط خود در حاشیه آن حدیث نوشت: این حدیث، آن چیزی است که امام زمان علیه السلام با ذکر صفحه و سطر از این کتاب نشان من داد.



إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ
 لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ۗ وَأُولَٰئِكَ
 هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٥١﴾ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ
 اللَّهَ وَيَتَّقْهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿٥٢﴾ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ
 جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنِ أَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجُنَّ ۗ قُلْ لَا تُقْسِمُوا
 طَاعَةً مَعْرُوفَةً ۗ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٥٣﴾ قُلْ
 أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ ۗ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ
 مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ ۗ وَإِن تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا ۗ وَ
 مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿٥٤﴾ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ
 ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي
 الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ
 دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ
 أَمْنًا ۗ يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا ۗ وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ
 ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٥٥﴾ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ
 وَ ءَاتُوا الزَّكَاةَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٥٦﴾

گفتار مؤمنان، هنگامی که به [فانون] خدا و [داوری] پیامبر فراخوانده شوند تا میانشان داوری کند، جز این نیست که می گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم. اینانند رستگاران. ﴿۵۱﴾

زیرا هرکس از خدا و پیامبرش فرمان ببرد و از [عذاب] خدا بترسد و از او پروا کند، تنها چنین کسانی به سعادت نایل می گردند. ﴿۵۲﴾

با سوگندهای مؤکد خود به خدا قسم خوردند که اگر آنان را به جهاد در راه خدا فرمان دهی، قطعاً به سوی میدان نبرد بیرون می روند. به آنان بگو: سوگند یاد نکنید، اطاعت پسندیده [بهتر است]. بدانید که خدا به آنچه می کنید آگاه است. ﴿۵۳﴾

بگو: خدا و پیامبر را اطاعت کنید. پس اگر روی گردانیدید، [به وی زبانی نمی رسد، چرا که] فقط بر عهده اوست آنچه بدان تکلیف شده است و بر عهده شماست [اطاعت از] آنچه بدان تکلیف شده اید. و اگر از پیامبر فرمان برید، هدایت خواهید یافت، و بدانید که بر رسول خدا جز ابلاغ آشکار پیام وظیفه ای نیست. ﴿۵۴﴾

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین قرار دهد [و حکومت بخشد]؛ چنان که امت های پیشین را در زمین جانشین قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است غالب و چیره نماید، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند. تا مرا عبادت و بندگی کنند و به من شرک نوززند و هرکس پس از آن، به کفر گراید، اینانند که از راه خدا بیرون رفته اند. ﴿۵۵﴾

و نماز را برپا دارید و زکات بدهید و پیامبر را اطاعت کنید، تا مورد رحمت خدا قرار گیرید. ﴿۵۶﴾

برآی آفتاب صبح امید که در دام شب هجران اسیرم

عقیده به «موعود» و «منجی» در اسلام و به خصوص در تشیع، اعتقادی عمیق و استوار است. این عقیده در میان ارادتمندان به اهل بیت علیهم السلام چنان ریشه دارد که آثار و جلوه‌های آن در زندگی روزانه‌شان مشاهده می‌شود. در این درس، می‌خواهیم دو مسئله را بررسی کنیم و به آنها پاسخ

دهیم:

آیا اعتقاد به «موعود» و «منجی» فقط اختصاص به ما مسلمانان دارد؟

مسئولیت ما تا زمان ظهور آن حضرت چیست؟

آینده تاریخ

زندگی انسان‌ها همواره صحنه مبارزه حق و باطل بوده و هست. در جبهه حق، خداپرستانی حضور دارند که در راه عدالت و دفاع از حقوق محرومان و مستضعفان تلاش کرده‌اند و صفحات تاریخ را زیبایی و شکوه بخشیده‌اند. در جبهه باطل، خودخواهان و خودپرستانی بوده‌اند که شرک و ستمگری پیشه ساخته و برای رسیدن به امیال خود، از انسان‌ها بهره‌کشی کرده‌اند و فساد و بی‌بندوباری را رواج داده‌اند.

امروزه نیز در صحنه جهانی، دو جبهه حق و باطل حضور دارند و مستکبران بر محرومان و مستضعفان ستم می‌کنند و حق‌طلبان نیز به مبارزه با آنان می‌پردازند.

اکنون جای طرح این سؤال است که:

سرانجام این مبارزه چه خواهد شد؟ آیا روزی ستمگران قدرت خود را از دست خواهند داد؟ خداپرستان معتقدند که چون خداوند حکیم، جهان را اداره می‌کند، جامعه بشری بالاخره به سمت کمال خواهد رفت و حق و عدل بر باطل و ظلم، پیروز خواهد شد و اداره جهان به دست حق‌طلبان خواهد افتاد.

تدبیر در قرآن

قرآن کریم، در برخی از آیات، درباره آینده زندگی انسان‌ها در زمین سخن گفته و وعده‌هایی داده است. برخی از این آیات را در اینجا ذکر می‌کنیم تا با آینده جهان از دیدگاه قرآن آشنا شویم:

— وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا ...

خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین [خود] قرار دهد، همان‌طور که قبل از آنان کسانی را جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برای آنان پسندیده است، به سودشان مستقر سازد و بیم و ترسشان را به امنیت مبدل کند تا مرا بپرستند و به من شرک نورزند.

— وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ^۲ ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین، منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] قرار دهیم و آنان را وارثان [زمین] کنیم.

۱- سوره نور، آیه ۵۵.

۲- سوره قصص، آیه ۵.

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ^۱

به راستی در زبور، پس از ذکر (تورات) نوشته‌ایم که زمین را بندگان شایسته من به ارث می‌برند.

در این آیات بیندیشید و بگویید چه آینده‌ای برای هر یک از موارد زیر بیان شده است؟

۱- مؤمنین صالح

۲- مستضعفین

۳- بندگان شایسته

۴- دین حق

موعود و منجی در ادیان

پیامبران الهی، برای تحقق این وعده الهی (پیروزی حق بر باطل در آینده تاریخ) از یک طرح الهی سخن گفته‌اند. آنان اعلام کرده‌اند که گرچه مستکبران نمی‌خواهند، اما روزی جامعه بشری آماده پذیرش حق خواهد شد و یک رهبر و ولی تعیین شده از جانب خداوند ظهور می‌کند و حکومتی عادلانه در جهان تشکیل می‌دهد.

این عقیده اصلی همه پیامبران الهی است، اما تعلیمات هر پیامبری، جز پیامبر خاتم، دستخوش دگرگونی شد؛ یکی از این دگرگونی‌ها، مربوط به چگونگی ظهور و تشکیل حکومت جهانی بود. با وجود این، همه در اصل الهی بودن پایان تاریخ و ظهور ولی خدا برای برقراری حکومت جهانی اتفاق نظر دارند.

از این رو، اعتقاد به منجی در بین پیروان پیامبران، فرصت ارزشمندی است برای همکاری میان آنها و تلاش برای تحقق آرمان‌های بزرگ همه پیامبران الهی، مانند خداپرستی، عدالت، اخلاق و نفی حاکمیت کفر و ستم بر جهان. این همکاری سبب نزدیکی و همدلی حق طلبان و مانع توطئه‌های ستمگران می‌شود.

بیشتر بدانیم

– یهودیان معتقدند که هنوز «مسیح» و منجی نیامده است، روزی مسیح خواهد آمد و دین

حضرت موسی علیه السلام را در جهان گسترش خواهد داد و عدالت را برقرار خواهد کرد.

– مسیحیان بر این باورند که حضرت عیسی علیه السلام همان منجی و موعود آخرالزمان است. آنان

معتقدند که حضرت عیسی علیه السلام در شبی که مأموران به مخفیگاهش حمله کردند، دستگیر شد؛ روز

۱- سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

بعد، او را به صلیب کشیدند و کشتند و سه روز پس از مرگ، از صلیب پایین آوردند و دفن کردند. اما ایشان زنده شد و از قبر به آسمان رفت. او دوباره ظهور می‌کند و انسان‌ها را نجات می‌دهد.^۱ — در آیین زرتشتی، اعتقاد به سُوشیانت که به معنای منجی و رهاننده است، اعتقاد رایجی است و در متون زرتشتی به ظهور این موعود بشارت داده شده است.^۲

موعود در اسلام

ما مسلمانان نیز مانند پیروان سایر ادیان الهی عقیده داریم که در آخرالزمان منجی انسان‌ها، ظهور خواهد کرد و جهان را به نهایت عدل خواهد رساند. این منجی، امام مهدی علیه السلام است که از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد.

در کتاب‌های حدیثی اهل سنت تأکید شده که امام «مهدی» از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه علیها السلام است، البته آنان معتقدند که امام مهدی علیه السلام هنوز به دنیا نیامده است.^۳ ما شیعیان معتقدیم که بنا بر سخنان صریح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام، موعود و منجی انسان‌ها، دوازدهمین امام و فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است و با توجه خاص خداوند به حیات خود ادامه می‌دهد، تا اینکه به اذن خداوند ظهور می‌کند و حکومت جهانی اسلام را تشکیل می‌دهد. البته مشخص بودن پدر و مادر امام زمان علیه السلام، این فایده را دارد که اگر ماجراجویان فریبکاری بخواهند خود را مهدی موعود معرفی کنند، به زودی شناخته می‌شوند و مردم هوشیار، فریب آنها را نمی‌خورند. اعتقاد به زنده بودن آن حضرت و حضور ایشان در جامعه دارای فواید زیر است:

اول اینکه، پیروان آن حضرت، از یک سو، امام خود را حاضر و ناظر بر خود می‌یابند و می‌دانند که ایشان از حال مسلمانان آگاه‌اند و از فداکاری‌ها و مجاهدت مؤمنان اطلاع دارند و از سوی دیگر، آنان می‌توانند خواسته‌های خود را با امام خود همانند دوستی صمیمی در میان بگذارند و برای به‌دست آوردن رضایت ایشان، تلاش کنند.

دوم اینکه، جامعه به صورت‌های گوناگون از هدایت‌های امام و از ولایت معنوی ایشان برخوردار می‌گردد.

۱- قرآن کریم، کشتن و به صلیب کشیده شدن حضرت عیسی علیه السلام را به صراحت رد می‌کند و می‌فرماید که «آنان در این مسئله دچار اشتباه شدند» سوره نساء، آیه ۱۵۷.

۲- «سوشیانت» یا «سیر اندیشه ایرانیان درباره موعود آخرالزمان» از علی اصغر مصطفوی.

۳- تاریخ بخاری، محمد بخاری، ج ۳، ص ۳۴۳، المهدی، سیدصدرالدین صدر، ج ۴، ص ۱۰۷ و المستدرک، حاکم نیشابوری، ج ۴، ص ۵۵۷.

مسئولیت‌های منتظران



اکنون لازم است ببینیم در دوره غیبت امام عصر علیه السلام، چه مسئولیت‌هایی بر عهده منتظران ظهور هست.

در اینجا به مهم‌ترین این مسئولیت‌ها اشاره می‌کنیم.

۱- تقویت معرفت و محبت به امام: فرزندان

به پدر و مادر خود محبت بیشتری دارند که به دلسوزی و مهربانی آنان بیشتر آگاه شده‌اند. پیامبر و امام از پدر و مادر نیز برای مؤمنان مهربان‌ترند و آنان که چنین معرفتی را به دست آورده‌اند، محبت بیشتری به پیامبر و امام دارند.

افزایش معرفت به امام عصر علیه السلام و تقویت محبتی

که به دنبال آن می‌آید، وظیفه هر مسلمانی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سخنانی ضمن معرفی همه امامان، درباره امام عصر علیه السلام می‌فرماید:

«هرکس که دوست دارد خدا را در حال ایمان کامل و مسلمانی مورد رضایت او ملاقات کند، ولایت

و محبت امام عصر علیه السلام را بپذیرد»^۱.

ضرورت تقویت معرفت و محبت بدان جهت است که عصر غیبت، عصر تردیدهاست. در این دوره، فتنه‌های گوناگون و اندیشه‌های رنگارنگ پیدا می‌شوند و بی‌ایمانی را تبلیغ می‌کنند. مؤمن حقیقی، با افزایش معرفت خود، تردیدها را کنار می‌زند و با یقین، برای فردای روشن آماده می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام فرمود:

«بزرگ‌ترین مردمان در ایمان و یقین، کسانی‌اند که در روزگاران آینده زندگی می‌کنند، آنان پیامبرشان

را ندیده‌اند، امام آنها در غیبت است و فقط به سبب خواندن قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم السلام [و تفکر در آنها] ایمان می‌آورند»^۲.

شناخت جایگاه امام در پیشگاه الهی، آشنایی با شیوه حکومت‌داری ایشان به هنگام ظهور، آشنایی با ویژگی‌های ایشان در سخنان معصومین علیهم السلام از عوامل مؤثر در شناخت و محبت به امام زمان علیه السلام و از بین رفتن تردیدها است.

۱- بحار الانوار، مجلسی، ج ۳۶، ص ۲۹۶.

۲- همان، ج ۵۲، ص ۱۲۵.

با توجه به توضیحات قبل، و با تفکر در این حدیث بگوئید ما چگونه می‌توانیم امام زمان خود را

بشناسیم؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله :

مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفِ إِمَامَ زَمَانِهِ
مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً!^۱
هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد،
به مرگ جاهلیت مرده است.

۲- پیروی از فرمان‌های امام عصر علیه السلام : منتظر حقیقی تلاش می‌کند که در عصر غیبت، پیرو

امام خود باشد و از ایشان تبعیت کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید :

«خوشا به حال کسی که به حضور «فائمه» برسد، در حالی که پیش از قیام او نیز پیرو او باشد».^۲

مراجعه به عالمان دین، عمل به احکام فردی و اجتماعی دین و مقابله با طاغوت از جمله دستورات امام زمان علیه السلام است که پیروان آن حضرت به دنبال انجام آن هستند. به عنوان نمونه، تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت و برکنار کردن حاکمان ستمگر یکی از علائم پیروی از امام عصر علیه السلام است.

۳- آماده کردن خود و جامعه برای ظهور : منتظر، عصر غیبت را عصر آماده‌باش برای یاری

امام می‌داند و خود را سربازی برای یاری آن حضرت به حساب می‌آورد. او هر لحظه منتظر است ندای امام در جهان طنین‌انداز شود و مردم را برای پیوستن به حق فراخواند.

امام صادق علیه السلام در توصیف یاران امام زمان علیه السلام می‌فرماید :

«یاران مهدی علیه السلام مردمانی مقاوم، سرشار از یقین به خدا و استوارتر از صخره‌ها هستند؛ اگر به

کوه‌ها روی آورند، آنها را متلاشی می‌کنند».^۳

امام علی علیه السلام درباره کسانی که با امام زمان علیه السلام بیعت می‌کنند، می‌فرماید :

«امام با این شرط با آنها بیعت می‌کند که در امانت خیانت نکنند، پاک‌دامن باشند، اهل دشنام و

کلمات زشت نباشند، به ظلم و ستم خون‌ریزی نکنند، به خانه‌ای هجوم نبرند، کسی را به ناحق آزار

ندهند، ساده‌زیست باشند و بر مرکب‌های گران‌قیمت سوار نشوند، لباس‌های فاخر نپوشند، به حقوق

مردم تجاوز نکنند، به یتیمان ستم نکنند، دنبال شهوت‌رانی نباشند، شراب ننوشند، به پیمان خود عمل

کنند، ثروت و مال را احتکار نکنند... و در راه خدا به شایستگی جهاد نمایند».^۴

۱- الغدير، علامه امینی، ج ۱، ص ۳۵۹، به نقل از بزرگان اهل سنت مانند تفتازانی در کتاب شرح مقاصد، ج ۲، ص ۲۷۵.

۲- «فائمه» یکی از لقب‌های امام زمان علیه السلام و به معنای قیام‌کننده است. ۳- بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۱۳۰.

۴- همان، ج ۲۵، ص ۳۰۸. ۵- الملاحم و الفتن، سید ابن طاووس، ص ۱۴۹.

فیلم (۱): چگونه زمینه‌ساز ظهور باشیم؟

اما چه کسانی می‌توانند در هنگام ظهور این ویژگی‌ها را داشته باشند؟ کسانی که قبل از ظهور آن امام، در صحنه فعالیت‌های اجتماعی و نبرد دائمی حق و باطل، در جبهه حق، حضوری فعال داشته باشند و با ایستادگی در مقابل شیاطین درون و برون، ویژگی‌هایی همچون شجاعت، عزت‌نفس و پاک‌دامنی را در خود پرورانده باشند.

کسانی که در عصر غیبت تنها با گریه و دعا سر کنند و در صحنه نبرد حق‌طلبان علیه مستکبران حضور نداشته باشند، در روز ظهور، به علت عدم آمادگی، مانند قوم موسی علیه السلام به امام مهدی علیه السلام خواهند گفت: «تو و پروردگارت بروید و بجنگید، ما اینجا می‌نشینیم».^۱
در حقیقت، انتظار، یک عمل است، یک قیام است. منتظر، تسلیم وضع موجود نمی‌شود؛ به امید



آینده‌ای روشن تلاش می‌کند؛ از یأس و ناامیدی سخن نمی‌گوید. منتظر، به همان اندازه که به آینده امید دارد و مشتاق امام زمان است، از گذشته نیز درس می‌آموزد و عاشق سیدالشهدا است و به حماسه بزرگش عشق می‌ورزد. همان‌طور که برخی جامعه‌شناسان گفته‌اند، پویایی جامعه شیعه در طول تاریخ، به دو عامل وابسته بوده است:

۱- **گذشته سرخ**؛ یعنی اعتقاد به عاشورا، آمادگی برای شهادت و ایثار.

۲- **آینده سبز**؛ یعنی انتظار برای سرنگونی ظالمان و گسترش عدالت در جهان، زیر پرچم امام عصر علیه السلام.

یاران امام، پیشسازان تحول جهانی و سازندگان تمدن اسلامی‌اند. هسته مرکزی این یاران ۳۱۳ نفر، به تعداد یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ بدر هستند که بنا به فرموده امام باقر علیه السلام تعدادی از آنان از زنان‌اند.^۲ همچنین در احادیث آمده است که بیشتر یاران امام را جوانان تشکیل می‌دهند.^۳ بکوشیم که با ایجاد آمادگی در خود از یاران نزدیک امام عصر علیه السلام باشیم.

فیلم (۲): ویژگی یاران امام زمان علیه السلام

۱- اشاره به آیه ۲۴ سوره مائده.

۲- بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۳، ص ۲۲۳.

۳- الفیبة، نعمانی، ص ۱۰۷.

رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره ویژگی‌های منتظران می‌فرماید :

درس دیگر اعتقاد به مهدویت و جشن‌های نیمه شعبان برای من و شما این است که هرچند اعتقاد به ظهور امام مهدی - ارواحنا فداه - یک آرمان والاست و در آن هیچ شکی نیست؛ اما نباید مسئله را فقط به جنبه آرمانی آن ختم کرد؛ یعنی به عنوان یک آرزو در دل یا حداکثر در زبان، یا به صورت جشن، نه؛ این آرمانی است که باید عمل به دنبال آن بیاید. انتظاری که از آن سخن گفته‌اند فقط نشستن و اشک ریختن نیست؛ انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان علیه السلام آماده کنیم. سربازی امام زمان علیه السلام کار آسانی نیست. سربازی منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین‌المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی، آگاهی و روشن بینی دارد. عده‌ای این اعتقاد را وسیله‌ای برای تخدیر خود، یا دبگران قرار می‌دهند؛ این غلط است. ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان علیه السلام خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، امروز وظیفه‌ای نداریم. نه، برعکس. ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم.^۱

۴- دعا برای ظهور امام : در انتظار ظهور بودن، خود از برترین اعمال عصر غیبت است؛ زیرا فرج

و گشایش واقعی برای دینداران با ظهور آن حضرت حاصل می‌شود. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید :
 «منتظر فرج الهی باشید و از لطف الهی مأیوس نشوید و بدانید که محبوب‌ترین کارها نزد خداوند،
 انتظار فرج است.»^۲

لازمه این انتظار، دعا برای ظهور امام عصر علیه السلام است. بر این اساس، خواست خود را این‌گونه به درگاه خداوند عرضه می‌داریم :

«خدایا ! از تو آن دولت با کرامتی را طلب می‌کنیم که با آن، اسلام و اهلس را عزیز می‌گردانی و نفاق و اهلس را خوار می‌سازی، ما را در آن دولت از دعوت کنندگان به طاعت خود و رهبران به سوی راهت قرار ده و کرامت دنیا و آخرت را از برکت آن بر ما ارزانی دار.»^۳

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصالای تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰.

۲- الخصال، صدوق، ج ۲، ص ۶۱۶، تحف العقول، ابن شعبه حرانی، ص ۱۰۴.

۳- بخشی از دعای افتتاح که معمولاً در شب‌های مبارک رمضان خوانده می‌شود.

نگاهی به جامعه مهدوی

امام عصر علیه السلام زمانی ظهور می کند که مردم جهان از همه مکتب‌های غیرالهی و مدعیان برقراری عدالت در جهان ناامید شده‌اند و با تبلیغی که منتظران واقعی کرده‌اند، دل‌های مردم به سوی آن منجی الهی جلب شده است. بیشتر مردم همین که ندای امام و طرفداران ایشان را می‌شنوند، با شوق به سوی آن حضرت می‌شتابند. اما مستکبران و ظالمان در مقابل امام می‌ایستند که در نهایت شکست می‌خورند و حکومت جهانی امام تشکیل می‌شود. حکومتی که امام عصر علیه السلام تشکیل می‌دهد و جامعه‌ای که می‌سازد، همان حکومت و جامعه‌ای است که آرمان پیامبران الهی بوده و در طول تاریخ برای تحقق آن مبارزه کرده‌اند و بسیاری از انبیا و اولیا و زنان و مردان آزاده جهان در راه آن، به شهادت رسیده‌اند. به عبارت دیگر، با تشکیل حکومت امام عصر علیه السلام همه اهداف انبیا تحقق می‌یابد. در میان این اهداف به چند مورد آن اشاره می‌کنیم:

۱- عدالت‌گستری: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «با ظهور امام عصر علیه السلام خداوند زمین را از قسط و عدل پر خواهد کرد، بعد از اینکه از ظلم و جور پر شده باشد».^۱

در جامعه مهدوی، قطب مرفّه و قطب فقیر، طبقه مستکبر و طبقه مستضعف وجود ندارد. امام باقر علیه السلام درباره وضعیت اقتصادی مردم پس از ظهور، می‌فرماید: «آن چنان میان مردم مساوات برقرار می‌کند که نیازمندی پیدا نخواهد شد تا به او زکات داده شود».^۲

در جامعه مهدوی خبری از فقر و بینوایی نیست. حسّ تعاون و یاری دادن به یکدیگر در همه جا دیده می‌شود. مردم به قدری نسبت به یکدیگر اطمینان دارند که اجازه برداشت از اموال شخصی خود را به دیگری می‌دهند.

۲- آبادانی: براساس وعده قرآن کریم که فرموده است:

«اگر اهالی شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند، درهای برکات از آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم».^۳

برکت و آبادانی همه سرزمین‌ها را فرا می‌گیرد. برای مثال، اگر کسی سرزمین‌های بین عراق و شام را که بسیاری از قسمت‌های آن در حال حاضر کویری است، ببیناید، همه را سرسبز و خرم خواهد دید.^۴

۱- الغیبة، طوسی، ص ۴۹.

۲- حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام، ناصر مکارم شیرازی، ص ۲۶۶.

۳- سورة اعراف، آیه ۹۶.

۴- الخصال، صدوق، ج ۲، ص ۶۲۶.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «در آن هنگام زمین، ذخایر خود را آشکار می کند و برکات خود را ظاهر می سازد».^۱

۳- شکوفایی عقل و علم: این دوران زمان کامل شدن عقل های آدمیان است و با توجه و لطف ویژه ای که امام زمان علیه السلام به همه انسان ها می کند عقل آنان کامل می شود.^۲

مردم به کسب دانش و فهم اسرار هستی علاقه نشان می دهند و از رازهای هستی یکی پس از دیگری پرده برمی دارند. اگر دانشی که بشر از ابتدای خلقتش تا زمان ظهور به دست آورده، به اندازه دو حرف از بیست و هفت حرف باشد، در عصر مهدوی به تعداد سایر حروف بر دانش بشر افزوده می شود.^۳

۴- امنیت کامل: یکی از اهداف مبارزات گسترده انسان های آزاده، تلاش های مصلحان اجتماعی و مجاهدت مجاهدان و مبارزان راه حق، این بوده است که انسان ها با امنیت کامل در کنار هم زندگی کنند. امام عصر علیه السلام این آرزوی بشر را محقق می کند.

در آن دوران، اگر کسی از شرق یا غرب عالم، شب یا روز، زن یا مرد و به تنهایی به سمت دیگر حرکت کند، احساس ناامنی و ترس نمی کند^۴، از دزدی اموال و ثروت دیگران خبری نیست.

۵- فراهم شدن زمینه رشد و کمال: از همه موارد فوق مهم تر اینکه، در جامعه مهدوی زمینه های رشد و تکامل همه افراد فراهم است. انسان ها بهتر می توانند خدا را بندگی کنند، فرزندان صالح به جامعه تقدیم نمایند و خیرخواه دیگران باشند. بدین ترتیب، انسان ها به هدفی که خدا در خلقت برای آنها تعیین کرده، بهتر و آسان تر می رسند.

اندیشه و تحقیق

- ۱- از دیدگاه قرآن کریم، آینده تاریخ از آن چه کسانی است؟
- ۲- معتقد بودن به انتظار، چه تأثیرهایی بر شخصیت فرد منتظر دارد؟
- ۳- این جمله را تحلیل کنید: «منتظران مصلح، خود باید صالح باشند».

۱- بحارالانوار، مجلسی، ج ۵۱، ص ۲۹.

۲- همان، ج ۵۲، ص ۳۲۸.

۳- همان، ص ۳۳۶.

۴- همان، ص ۳۴۵.

- ۱- یکی از دعا‌های مهمی که ارتباط ما را با امام عصر علیه السلام تقویت می‌کند، دعای عهد است. این دعا را در کتاب مفاتیح الجنان بیابید؛ آن را مطالعه کنید و ببینید که در این دعا چه عهدی مطرح شده است.
- ۲- با توجه به سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی که در بخش «برای مطالعه» آمده، توضیح دهید که «انتظار مثبت» چه تفاوت‌هایی با «انتظار منفی» دارد.

مشتاق و منتظر امام زمان علیه السلام این‌گونه با خود نجوا می‌کند :

عمری است که از حضور او جاماندم
او منتظر است تا که ما برگردیم
در غربت سرد خویش تنها ماندیم
ماییم که در غیبت کبری ماندیم
و می‌سراید :

صبحی‌گرم از زمان و خواهد شد
در راه، عزیزی‌ست که با آمدنش
راز شب‌تار بر ملا خواهد شد
هر قطب‌نما قبله‌نما خواهد شد

منابع برای مطالعه بیشتر

فایل پی‌دی‌اف کتاب‌های معرفی شده در این بخش، در سایت گروه قرآن و معارف به آدرس <http://quran-dept.talif.sch.ir> در بخش «معرفی کتاب» موجود است.

مخاطب	انتشارات	نویسنده	نام کتاب
معلم	ندای ایمان	علی دوانی	امام زمان <small>علیه السلام</small> در گفتار دیگران
معلم/ دانش‌آموز	بوستان کتاب قم	جواد محدثی	صبح امید
دانش‌آموز	حضور	پورسید آقایی	پیدای پنهان
معلم/ دانش‌آموز	بنیاد مهدویت	جمعی از محققان	نگین آفرینش
معلم/ دانش‌آموز	بنیاد مهدویت	حسن محمودی	هشت قدم
معلم/ دانش‌آموز	بنیاد فرهنگی مهدی موعود	سید محمد میرتبار	آسیب‌شناسی جامعه منتظر



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّٰدِقِينَ
﴿١١٩﴾ مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ
أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنِ رَسُولِ اللَّهِ وَ لَا يَرْغَبُوا بِأَنفُسِهِمْ
عَنْ نَفْسِهِ ۚ ذَٰلِكُمْ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ
وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَطَّوْنُ مَوْطِنًا
يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَ لَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نِيْلًا إِلَّا
كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ
أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٢٠﴾ وَ لَا يُنْفِقُونَ نَفَقَةً
صَغِيرَةً وَ لَا كَبِيرَةً وَ لَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا
كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا
يَعْمَلُونَ ﴿١٢١﴾ وَ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَآفَّةً
فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ
لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ
إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ ﴿١٢٢﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و با کسانی باشید که

راستگویند ﴿۱۱۹﴾

مردم مدینه و بادیه‌نشینان پیرامونشان حق ندارند از همگامی با رسول خدا سر باز بزنند و نباید [جان خود را از جان پیامبر عزیزتر بدانند و] به خود بپردازند.

چرا که هیچ تشنگی و رنج و گرسنگی در راه خدا به آنان نمی‌رسد و در هیچ سرزمینی که کافران را به خشم می‌آورد گام نمی‌نهند و از هیچ دشمنی غنیمتی به دست نمی‌آورند مگر اینکه برای آنان در برابر هریک از آنها عملی شایسته

نوشته می‌شود و خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند. ﴿۱۲۰﴾

هیچ مال کم یا زیادی را انفاق نمی‌کنند و هیچ مسافت و وادی ای را نمی‌پیمایند، مگر اینکه برای آنان نوشته می‌شود، تا خدا آنان را به بهتر از آنچه

می‌کردند پاداش دهد. ﴿۱۲۱﴾

و نمی‌شود که مؤمنان، همگی اعزام شوند، پس چرا از هر گروهی، جمعی از آنها اعزام نشوند تا دانش دین را [به طور عمیق] بیاموزند و آنگاه که به سوی قوم خویش بازگشتند، آنها را هشدار دهند، باشد که آنان [از کیفر الهی]

ترسند. ﴿۱۲۲﴾

همان طور که در درس های گذشته عنوان شد، دو مورد از مسئولیت های رسول خدا ﷺ، پس از ایشان به ائمه اطهار علیهم السلام منتقل شد و آنان به عنوان حجت های خدا در روی زمین، این مسئولیت ها را برعهده گرفتند و در همین راستا، به ارشاد و هدایت مردم برخاستند و برای برپایی حکومت الهی و اقامه قسط و عدل، جهاد و مبارزه کردند.

در این درس به بررسی پاسخ دو سؤال زیر می پردازیم:
 آیا این دو مسئولیت در دوره غیبت کبری استمرار می یابد؟
 یا مردم به خود واگذار شده اند و دین در این زمینه برنامه ای ندارد؟

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید :

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَآفَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُم طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ
وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ^۱

و نمی‌شود که مؤمنان، همگی اعزام شوند، پس چرا از هر گروهی، جمعی از آنها اعزام نشوند تا دانش دین را [به طور عمیق] بیاموزند و آن‌گاه که به سوی قوم خویش بازگشتند، آنها را هشدار دهند، باشد که آنان [از کفر الهی] بترسند.

با توجه به آیه بالا به سؤال‌های زیر پاسخ دهید :

۱- به نظر شما، چرا خداوند حتی در زمان پیامبر و با وجود حضور ایشان، عده‌ای را تشویق به فراگیری علم دین می‌کند؟

.....

۲- آیا آموختن عمیق دین و بیان تعالیم آن، اختصاص به زمان پیامبر دارد؟ چرا؟

.....

ضرورت تداوم مسئولیت‌های امام در عصر غیبت

از آنجا که دین اسلام همیشگی و برای همه دوران‌هاست، عقلاً ضروری است که این دو مسئولیت یعنی «مرجعیت دینی» و «ولایت ظاهری» در عصر غیبت ادامه یابد؛ زیرا :

۱- اگر «مرجعیت دینی» ادامه نیابد، یعنی متخصصی نباشد که احکام دین را بداند و برای مردم بیان کند و پاسخگوی مسائل جدید مطابق با احکام دین نباشد، مردم با وظایف خود آشنا نمی‌شوند و نمی‌توانند به آن وظایف عمل کنند.

۲- اگر «ولایت ظاهری» ادامه نیابد و حکومت اسلامی تشکیل نشود، نمی‌توان احکام اجتماعی اسلام را که نیازمند مدیریت و پشتوانه حکومتی است، در جامعه به اجرا درآورد.

حال سؤال این است که در دوره غیبت، مسئولیت‌های مربوط به امامت، چگونه ادامه می‌یابد و مسلمانان از چه راهی به احکام و قوانین دین، دسترسی پیدا می‌کنند و این قوانین چگونه در جامعه پیاده می‌شود؟

فیلم : اثبات ولایت فقیه در پنج دقیقه 

۱- سوره توبه، آیه ۱۲۲.

راهکار پیامبر و امامان علیهم السلام برای عصر غیبت

در همان زمان ائمه علیهم السلام، مردمانی در شهرهای دوردست بودند که به امامان دسترسی نداشتند و نمی توانستند احکام دین را از ایشان بشنوند و از فرمان های آنان مطلع شوند. از این رو، آن بزرگواران دانشمندانی را تربیت می کردند که در حدّ توان به معارف و احکام دین دست یابند. این دانشمندان به نقاط مختلف شهر خود و یا شهرهای دیگر می رفتند و احکام اسلام را به مردم می آموختند. اگر مردم پرسشی هم داشتند، آنان براساس دانشی که از قرآن کریم و روایات داشتند، به آن پرسش پاسخ می دادند.

بیشتر بدانیم

- ۱- یکی از یاران امام رضا علیه السلام به نام علی بن مسیب همدانی به امام عرض کرد: برای من مشکل است که در هر زمانی نزد شما بیایم و معارف دینی را از شما بگیرم.
- ۲- ابوحماد رازی می گوید در سامرا به نزد امام هادی علیه السلام رفتم و از بعضی مسائل حلال و حرام پرسیدم. چون قصد بازگشت داشتم حضرت فرمود: چنانچه در امور دینی در [تشخیص] حلال و حرام، مسئله ای بر تو دشوار شد، از عبدالعظیم حسنی سؤال کن و سلام مرا به او برسان^۳.

این روش، برگرفته از قرآن کریم است. خداوند در قرآن کریم دستور می دهد گروهی از مردم، وقت و همت خود را صرف شناخت دقیق دین کنند و به «تفقه» در آن پردازند تا پس از کسب علم به شهرهای خود بروند و قوانین اسلام را به مردم بیاموزند. تفقه، به معنای تلاش برای کسب معرفت عمیق است. افرادی که به معرفت عمیق در دین می رسند و می توانند قوانین و احکام اسلام را از قرآن و روایات به دست آورند، «فقیه» نامیده می شوند. مسلمانان وظیفه دارند در زمان غیبت امامان یا عدم امکان دسترسی به ایشان، به این فقیهان مراجعه کنند. به احادیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام در این زمینه توجه کنید:

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«حال کسی که از امام خود دور افتاده و به او دسترسی ندارد، سخت تر از حال یتیمی است که پدر را از دست داده است؛ زیرا چنین شخصی، در مسائل زندگی، حکم و نظر امام را نمی داند. البته اگر یکی از پیروان ما که به علوم و دانش ما آشناست، وجود داشته باشد، باید دیگران را که به احکام ما آشنا نیستند، راهنمایی کند و دستورات دین را به آنها آموزش دهد. در این صورت، او در بهشت با ما خواهد بود»^۴.

۱- وسائل الشیعه، حر عاملی، ج ۲۷، ص ۱۴۶

۲- عبدالعظیم حسنی یکی از علمای شیعه بود که محضر مبارک امام رضا علیه السلام، امام محمد تقی و امام هادی علیهم السلام را درک کرده و احادیث فراوانی از آنان روایت کرده است.

۳- مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج ۱۷، ص ۳۲۱. ۴- همان، ص ۳۱۷، ح ۲۱۴۵۸.

۲- امام صادق علیه السلام می فرماید :

فَمَا مَن كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ

صَائِبًا لِنَفْسِهِ

حَافِظًا لِدِينِهِ

مُخَالِفًا لِهَوَاهُ

مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ

فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ...^۱

هر کس از فقیهان که

نگهدارندهٔ نفس خود،

نگهبان دین خود،

مخالفت کننده با هوی و هوس خود،

فرمان بردار مولایش باشد

پس، بر مردم است که از او پیروی کنند.

۳- امام عصر علیه السلام در پاسخ به یکی از یاران خود به نام اسحاق بن یعقوب که دربارهٔ «رویدادهای جدید»

عصر غیبت سؤال کرد و راه چاره را پرسید، فرمود :

وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ

فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ حَدِيثِنَا

فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ

وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ^{۳۲}

و در مورد رویدادهای زمان

به راویان حدیث ما رجوع کنید.

که آنان حجت من بر شمایند

و من حجت خدا بر آنها می باشم.

تفکر در حدیث

شمارهٔ حدیث	با تفکر در احادیث فوق، مشخص کنید که هر پیام با کدام حدیث ارتباط دارد.
.....	۱- فقیه کسی است که با مطالعهٔ دقیق منابع اسلامی به مرحله‌ای از تخصص در دین رسیده است و می‌تواند احکام اسلام را به دست آورد و برای مردم بیان کند.
.....	۲- فقیه باید بتواند احکام مسائل و رویدادهای جدید را نیز که در زمان پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> و امامان <small>علیهم السلام</small> اتفاق نیفتاده است به دست آورد.
.....	۳- مردمی که می‌خواهند بر اساس قوانین اسلام زندگی کنند، اما به پیامبر و امام دسترسی ندارند، باید به فقهی که شرایط ویژه‌ای دارد، مراجعه نمایند.

این روایات بیانگر آن است که مسلمانان در غیبت امام، نه تنها در احکام و مسائل فردی، بلکه در مسائل اجتماعی هم، باید به «فقیه» مراجعه کنند. روشن است که انجام چنین وظیفه‌ای، جز با نفی حاکمان طاغوت و تشکیل «حکومت اسلامی» به رهبری فقیه میسر نیست.

۱- بحار الانوار، مجلسی، ج ۲، ص ۸۸.

۲- کمال الدین، صدوق، ج ۲، باب ۴۵، ص ۴۸۳.

۳- مقصود امام از راویان حدیث آن دسته از راویان حدیث است که بتوانند رویدادهای جدید زمان را بشناسند و توانایی تفقه در حدیث را داشته باشند و با مراجعه به احادیث، حکم درست آن رویداد را برای مردم بیان کنند.

بنابراین :

در دوره غیبت، بنا به فرمان امام زمان علیه السلام و به نیابت از ایشان، «فقیهان» واجد شرایط، دو مسئولیت «مرجعیت دینی» و «ولایت ظاهری» را برعهده دارند و در حدّ توان، جامعه اسلامی را در مسیر اهداف الهی هدایت و رهبری می کنند.

در این میان، گروهی از فقیهان، احکام و قوانین دین را در اختیار مردم قرار می دهند. کسانی که در احکام دین متخصص نیستند، به این متخصصان مراجعه می کنند و احکام دین را از آنان می آموزند. این مراجعه را پیروی یا «تقلید» می گویند البته این مراجعه، یک روش رایج عقلی است؛ یعنی انسان در امری که تخصص و مهارت ندارد، به متخصص آن مراجعه می کند. پس، تقلید در احکام، به معنای رجوع به متخصص دین است. چنین فقیهی را نیز مرجع تقلید می نامند.

همچنین از میان فقیهان کسی که توانایی سرپرستی و ولایت جامعه را دارد، عهده دار حکومت می شود و قوانین الهی را در جامعه به اجرا درمی آورد. فقیهی که این مسئولیت را برعهده می گیرد، ولی فقیه^۱ می گویند.

بدین ترتیب در عصر غیبت :

۱- «مرجعیت دینی» در شکل «مرجعیت فقیه» ادامه می یابد.

۲- «ولایت ظاهری» امامان به صورت «ولایت فقیه» استمرار پیدا می کند.

شرایط مرجع تقلید

مرجع تقلید باید شرایط زیر را داشته باشد :

۱- باتقوا^۲ باشد. ۲- عادل^۳ باشد. ۳- زمان شناس باشد و بتواند احکام دین را متناسب با نیازهای روز، به دست آورد. ۴- اعلم باشد؛ یعنی از میان فقها از همه عالم تر باشد.

راه های شناخت مرجع تقلید

شناخت متخصص در احکام دین، مانند شناخت هر متخصص دیگر است. ما همان طور که برای یافتن بهترین پزشک، معمار یا مهندس، تحقیق و جست و جو می کنیم، برای شناخت فقیه واجد شرایط نیز باید تحقیق نماییم و یکی از راه های زیر را پیش گیریم.

۱- از دو نفر عادل و مورد اعتماد که بتوانند فقیه واجد شرایط را تشخیص دهد، بپرسیم.

۱- ولی به معنای حاکم و سرپرست است. ولی فقیه، یعنی حاکمی که در دانش دین تخصص دارد و به فهم عمیق رسیده است.
۲- تقوا یک حالت و قدرت روحی است که مانع رفتن انسان به سوی گناه می شود و مانند حافظ و نگهدارنده از گناه عمل می کند. هر قدر که تقوا بیشتر باشد، حرکت به سمت گناه کمتر است.

۳- عدالت، مراتب دارد. عدالت پیامبر و امام به معنای دوری از هرگونه ظلم است. عدالت فقیه باید آن قدر باشد که مرتکب گناه آشکار نشود. عدالت یک فرد عادی باید به اندازه ای باشد که مردم به وی اعتماد کنند و به دروغ گویی و گناه مشهور نباشد.

۲- یکی از فقیهان، در میان اهل علم آن چنان مشهور باشد که انسان مطمئن شود و بداند که این فقیه، واجد شرایط است.

فعالیت کلاسی

۱- شما با چه روشی مرجع تقلید خود را انتخاب کرده‌اید؟ اگر کسی که به سنّ تکلیف رسیده است، مرجع تقلید خود را انتخاب نکند، اعمال وی چگونه خواهد بود؟

شرایط ولی فقیه

فقیهی که رهبری جامعه اسلامی را بر عهده می‌گیرد باید شرایط زیر را داشته باشد :

- ۱- باتقوا باشد. ۲- عادل باشد. ۳- زمان‌شناس باشد و بتواند احکام دین را متناسب با نیازهای روز به دست آورد. ۴- مدیر و مدبّر باشد و بتواند جامعه را در شرایط پیچیده جهانی رهبری کند.
- ۵- شجاعت و قدرت روحی داشته باشد و بدون ترس و واهمه در برابر زیاده‌خواهی دشمنان بایستد. در اجرای احکام دین از کسی ترسد و با قدرت، در مقابل تهدیدها بایستد و پایداری کند.

حکومت و رهبری فقیهی که شرایط فوق را دارد، مشروع است؛ یعنی دین به او اجازه رهبری مردم را داده است. در غیر این صورت، پیروی از دستورات وی حرام است.^۱

علاوه بر این، ولی فقیه باید از جانب مردم پذیرفته شده باشد تا بتواند کشور را اداره کند و به پیش برود. یعنی، فقیه باید نزد مردم جامعه خود، «مقبولیت» داشته باشد.

پس تشکیل نظام و حکومت اسلامی، بر دو پایه «مشروعیت» و «مقبولیت» استوار است.

چگونگی انتخاب ولی فقیه

از آنجا که ولی فقیه، بیان‌کننده قوانین و مقررات اجتماعی اسلام است، انتخاب وی نمی‌تواند مانند انتخاب مرجع تقلید باشد؛ یعنی نمی‌شود که هر کس به طور جداگانه برای خود ولی فقیه انتخاب کند؛ زیرا اداره جامعه تنها با یک مجموعه قوانین و یک رهبری امکان‌پذیر است؛ در غیر این صورت، هرج و مرج و تفرقه و پراکندگی پیش می‌آید و این، یک امر روشن و بدیهی در تمام نظام‌های سیاسی دنیاست. پس، مردم در انتخاب ولی فقیه باید به صورت دسته‌جمعی اقدام کنند و فقیهی را که شرایط رهبری دارد، با آگاهی و شناخت بپذیرند، به وی اعتماد و اطمینان کنند و رهبری جامعه را به وی بسپارند.

مردم کشور ما در زمان انقلاب اسلامی به شیوه‌ای مستقیم و با حضور در اجتماعات و راه‌پیمایی‌های سراسری، رهبری امام خمینی رحمته‌الله را پذیرفتند و با ایشان پیمان یاری بستند.

۱- صحیفه امام خمینی، ج ۹، ص ۲۵۳.

اکنون نیز بنا بر قانون اساسی، مردم ابتدا نمایندگان خبره خود را انتخاب می‌کنند و آن خبرگان نیز از میان فقها آن کسی را که برای رهبری شایسته‌تر تشخیص دهند، به جامعه اعلام می‌کنند. بر این مبنای بود که پس از رحلت امام خمینی رحمته الله علیه حضرت آیت الله خامنه‌ای مسئولیت رهبری جامعه را بر عهده گرفتند. طبیعی است که چنین فقیهی تا وقتی رهبر جامعه است که شرایط ذکر شده را داشته باشد. تشخیص این امر نیز بر عهده مجلس خبرگان است.

پاسخ سوالات شما

چرا در برخی از موضوعات، نظرات فقیهان متفاوت می‌شود؟

فقه یک رشته تخصصی است که فقیه پس از طی مدارج علمی در موضوعاتی مانند ادبیات عرب، منطق، حدیث، تفسیر، علم اصول، علم رجال، درایة الحدیث و آشنایی با برخی رشته‌های دیگر مانند تاریخ اسلام و علم کلام، وارد آن می‌شود و پس از سال‌ها تحصیل به این توانایی دست می‌یابد که بتواند با مراجعه به قرآن و سنت و سیره معصومین علیهم السلام و با به کار گرفتن قواعد و اصول خاص، مسائل فقهی را پاسخ دهد. از آنجا که فقیهان، معصوم نیستند، ممکن است به خاطر تفاوت روش‌ها و برداشت‌ها اشتباه کنند و میان یک فقیه با فقیه دیگر درباره یک مسئله اختلاف نظر پیش آید. این اختلاف نظر، شبیه به اختلاف نظر میان پزشکان است که ممکن است یک پزشک با معاینه بیمار و بر مبنای مطالعات علمی خود به تشخیصی برسد و پزشک دوم به تشخیص دیگری. البته به میزانی که مسئله، پیچیده‌تر و دقیق‌تر می‌شود، احتمال اختلاف نظر افزایش می‌یابد. به همین جهت است که مردم باید تلاش کنند آن فقیهی را که از دیگران داناتر است، شناسایی کنند و از او پیروی نمایند تا احتمال خطا کاهش یابد.

اندیشه و تحقیق

- ۱- مقصود از «تقلید» در احکام دینی چیست؟
- ۲- تقلید برای چه کسانی لازم است و شامل چه زمینه‌هایی می‌شود؟
- ۳- چرا مرجع تقلید باید «عادل» و «زمان‌شناس» باشد؟
- ۴- انتخاب ولی فقیه در کشور ما چگونه انجام می‌گیرد و مردم از چه طریقی در انتخاب ایشان دخالت دارند؟

پیشنهاد

اصل ۱۰۷ قانون اساسی را که مربوط به انتخاب رهبر است، مطالعه کنید و چگونگی انتخاب ولی فقیه را توضیح دهید.

